

متن پرسش

سلام و رحمة الله: استاد چند وقتی است فکر می‌کنم و می‌بینم که وضعیت توسعه نیافتگی ما به طرز عجیبی در جزئیات مسائل فرهنگی ما رخنه کرده و راه چاره‌ای هم حداقل من نمی‌بینم. بعنوان یک کارگردان و فیلمنامه‌نویس می‌بینم که ما در یک کشور توسعه نیافته عملاً چیزی که بشود آن را ایده خواند نداریم و هر چه قدر هم که ابتکار به خرج می‌دهیم می‌بینم که در نهایت یک نسخه غربی از آن وجود دارد. می‌دانم که این مطلب چیز عجیبی نیست و اگر این طور نبود باید متعجب می‌شدیم اما این مطلب فضا را برای کار کردن ما بسیار تنگ کرده و نمی‌دانیم چکار بکنیم. معطل شده ایم. این وضعیت رسالت هنر و کارهنری را برای ما زیر سوال برده و اگر همین طور پیش برود مجبور به جبر شرایط می‌شویم. در این سالهایی که از انقلاب می‌گذرد جز معدودی موارد ما حرفی برای گفته نداشته ایم و نمی‌دانم اگر همین معدود موارد هم بخواهد حفظ بشود چه باید کرد؟ لطفاً یک راهنمایی عملی بفرمایید که برای شکستن این بن بست چکار کنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از یک جهت با نظر به توسعه نیافتگی خود باید بر توسعه یافتگی فکر کرد و در این رابطه شرایط را برای توسعه یافتگی و عقل مربوط به توسعه یافتگی فراهم کرد که با نظر به این امر، ایده‌های زیادی در مقابل شما قرار می‌گیرد. مثل اصالت‌دادن به جامعه به جای اصالت‌دادن به فرد و یا اصالت‌دادن به قانون به جای اصالت‌دادن به برداشت‌های شخصی. که البته در این رویکرد به جریان اصلاح طلبی انقلاب نزدیک می‌شویم. ولی از جهت دیگر با نظر به عقلی که ماوراء توسعه یافتگی به نحوه‌ای از جامعه فکر می‌کند که انسان‌ها معنابخشی به خود را بیشتر در نظر دارند تا هویت بخشی بر اساس فرهنگ غربی. معنابخشی با تذکر به فطرت انسان‌ها برای آن‌ها پیش می‌آید که اگر بر این اساس در چند دهی بعد از انقلاب برنامه‌ریزی شده بود چیزی که دولت سازندگی و جریان‌های مربوط به آن از آن غفلت داشتند، امروز شاهد چنین حرص‌های به دنیا که در واقع نحوه‌ای از بحران شخصیت انسان‌ها شده است؛ روبه‌رو نبودیم. در چنین نظامی مسلم تئوری اصلاح طلبی به هیچ وجه کافی نیست و حقیقتاً در دو بیست ساله‌ی اخیر روشن شده است که جواب نمی‌دهد. باید در عین نادیده گرفتن عقل توسعه یافتگی به آموزه‌های دینی به صورت کاربردی جهت معنابخشی به انسان‌ها اقدام نمود وگرنه این می‌شویم که هستیم. در حالی که انقلاب در آغاز خود چیز دیگری بود و بازگشت به آن آغاز، راه آینده‌ی ما است. چرا در این موارد ایده‌پردازی نکنیم؟ وگرنه «این» می‌شویم که فعلاً

«هستيم». موفق باشيد